

## آزادی‌های سیاسی و اجتماعی

۴



■ عبدالهادی حائری  
■ انتشارات جهاد  
■ دانشگاهی (دانشگاه  
فردوسی مشهد)  
■ ۲۸۶ صفحه

این اثر گذری بر نوشته‌های پارسی در دو سده واپسین اندیشه‌گران ایرانی است و نویسنده در جای جای آن نسبت به پیاده شدن قوانین فرنگ در ایران ابراز نگرانی می‌کند و این نقد را تا ناصرالدین شاه به عقب می‌برد که به‌رغم آنکه «شهریار اسلام» به شمار می‌آمده، در خیابان‌های لندن قدم زده و شعبده‌بازی زبانی یاد گرفته است. همچنین نقد نویسنده متوجه اندیشمندان ایرانی نیز می‌شود که برای پیشرفت و توسعه پیشنهاد فرنگی شدن کشور را می‌دادند.

## آنچه گذشت... نقشی از نیم قرن تکاپو

۵



■ عبدالهادی حائری  
■ انتشارات معین  
■ ۵۶۰ صفحه  
■ ۱۰۰ هزار تومان

در دوران بستری در بیمارستان و مبارزه با بیماری سرطان شروع به نوشتن زندگی‌نامه خود کرد و در این کتاب زندگی خود را در قالب سوم شخصی به نام «امید» برای خواننده روایت می‌کند. کتاب شامل پیش‌گفتار و شانزده فصل با نثری ادبی است. در بخش اول حائری ابتدا به توصیف خانواده و فضای اجتماعی و فرهنگی شهر قم در دوره رضاشاه می‌پردازد و ماجرا به سال ۱۳۷۱ ختم می‌شود.

## زندگی دکتر عبدالهادی حائری

۶



■ حجت فلاح توتکار  
■ انتشارات پژوهشکده  
تاریخ اسلام  
■ ۳۲۲ صفحه  
■ ۲۰ هزار تومان

کتاب در سه فصل به زندگی‌نامه، روش حائری در تاریخ‌نگاری و نگاهی به آثارش تنظیم شده است. فصل نخست نویسنده از یک روایت بیرونی زندگی پرفرازونشیب حائری را دنبال می‌کند. در فصل دوم به تبیین ویژگی‌های روش‌شناسی او پرداخته شده است. در فصل سوم برای روشن شدن و بازنمودن بیشتر روش‌شناسی او و نوآوری‌های پژوهشی‌اش، به بررسی تک‌تک آثار تاریخ‌نگارانه او بر اساس تاریخ پراکنده شدن آنها پرداخته است.

اندیشه‌گران ایرانی البته محدود به کسانی است که در سال‌های پایانی سده ۱۸ و آغازین سال‌های سده ۱۹ زیست می‌کردند و رویدادها، جنش‌ها، سیاست‌ها و جریان‌های اجتماعی آن روزگار را به شیوه خود فهم کرده و درباره آن اندیشیده‌اند.

### مسیحیت و استعمار

در دو فصل پایانی کتاب یعنی فصل‌های یازدهم و دوازدهم نویسنده به سراغ نقش مذهب مسیحیت و علمای این دین در گسترش استعمار رفته و بحث جالب توجهی را در این زمینه طرح می‌کند. به اعتقاد وی هم‌گامی و هم‌نوایی تنگاتنگی میان مسیحی‌گری و برنامه‌های استعماری غرب وجود داشته است و می‌کوشد این امر را به تفکیک در برنامه استعماری کشورهای پرتغال، هلند، فرانسه، روسیه و انگلستان نشان دهد. به اعتقاد نویسنده تکاپوهای تبلیغ‌گران ترسا در ایران جز در چارچوب برنامه‌های استعماری قابل بررسی نیست. آنان به عنوان کشیشان کاتولیک و پروتستان ولی در واقع با ماموریت‌های استعماری از سوی دولت‌های استعمارگر غرب از سده ۱۶ به بعد در ایران کارهایی کردند و سخنانی گفتند و نوشتند. البته این فعالیت‌ها از سوی رهبران مذهبی در ایران نیز بی‌پاسخ نبود. اصولاً درنگ تبلیغ‌گران اروپایی در سرزمین‌های اسلامی و تبلیغ آنان پیرامون کیش مسیح برای رهبران مذهبی مسلمان چندان تحمل‌پذیر نبود و به همین سبب از همان آغاز تکاپوهای در واکنش به حضور آنان وجود داشت. کتاب به طور ویژه به واکنش‌های احمد علوی عاملی، ظهیرالدین تفرشی، علیقلی جدیدالاسلام و البته شماری چند از ملایان اصفهان که نام آنان مشخص نیست، پرداخته است.

### غفلت از غرب

واپسین فصل کتاب نویسنده به فعالیت‌های شخصی به نام «هنری مارتین» کارگزار مذهبی انگلیس در ایران پرداخته که ظاهراً گستره فعالیت‌های وی به گونه‌ای بوده است که واکنش اندیشه‌ورزان ایرانی را در پی داشته است. ظاهراً در برابر تبلیغ‌گری‌های فعالانه هنری مارتین و به‌ویژه در زمینه بنیان‌گذاری آموزشگاه‌های مسیحی در ایران واکنش‌های شدیدی از سوی مردم محلی وجود داشته و گمان می‌رفته که این فرد با مدارسی که تاسیس کرده است، قصد داشته کودکان آنان را مسیحی کند. ظاهراً وی از دوستان میرزا ملکم‌خان نیز بوده است که نویسنده وی را «دشمن بزرگ مردم ایران» خطاب می‌کند. مارتین ترجمه فارسی شیوا و روانی از کتاب عهد جدید می‌کند و به وسیله کارگزاران انگلیس این ترجمه به طور گسترده در ایران منتشر می‌شود. او همچنین به دانش‌های اسلامی تسلط داشته و از این جهت به مناظره با علمای مسلمان می‌پرداخت. این شناخت و فعالیت گسترده در حالی صورت می‌گرفت که اندیشه‌ورزان ایرانی از روند جامعه‌های غربی روزگار خود و از خواست‌های استعمار و پیوند آن با نوگرایی و وابستگی نزدیک این‌ها با کلیسای مسیحی و به تعبیر نویسنده با دو رویه تمدن بورژوازی غرب (نوگرایی و استعمار) آشنایی محدودی داشتند. به این ترتیب در آغاز اوج‌گیری این دو رویه تمدنی مردم ایران نه از طریق متفکرین خود بلکه به گونه‌ای بی‌واسطه و پیچیده از طریق خود غربی‌ها چه در قالب جنگ و چه به واسطه فعالیت‌های مذهبی و مستشاری با این تمدن آشنایی پیدا کردند.

### ما کجا بودیم؟

شاید همواره این اندیشه در پس ذهن مردم کشورهای در حال توسعه و از جمله ایرانیان وجود داشته باشد که در آن بزنگاهی که غرب می‌رفت به تمدن بزرگ خود شکل دهد و سیطره آن را بر جهان حاکم کند، ما کجای کار بودیم و چه می‌کردیم؟ نویسنده در فصل چهارم اثر به این پرسش تا حدودی پاسخ می‌دهد و نگاهی تاریخی به شیوه رویارویی ایرانیان با تمدن غرب تا پایان روزگار صفویه دارد. وی می‌کوشد نشان دهد در همان هنگام که اروپا عصر روشنگری را سپری می‌کرد و دو رویه تمدنی آن در حال نضج و اوج‌گیری بود، در ایران چه می‌گذشت و روند تحولات داخلی چگونه بود. سده هجدهم در ایران دورانی از عدم ثبات سیاسی فراگیر بود. این دوره مقارن حکومت افشاریه و زندیه است که فعالیت‌های استعماری به ویژه در جنوب ایران به واسطه حضور انگلستان در هندوستان شدت می‌گیرد اما تماس‌های میان ایرانیان و استعمارگران چندان به نظر آگانه نبوده است. این وضعیت تا دوره قاجار ادامه دارد که نخستین درگیری‌های جدی ایرانیان با سیاست‌های استعماری آغاز می‌شود. در این زمان دو رویه تمدن غرب در اوج عالم‌گیری قرار داشت و جهان در میانه سیاست‌های استعماری غوطه‌ور بود. هم‌زمان با ناکارآمدی و ناپلیدی حکومت قاجار در مواجهه با غرب، نخستین واکنش‌های فکری نیز در زمینه این رویارویی از همین دوره آغاز می‌شود. اندیشه‌های کسانی چون عبداللطیف شوشتری، ابوالحسن ایلچی، سلطان‌الواعظین، آقا احمد کرمانشاهی و عباس میرزا موضوع فصل هفتم است که نویسنده در کنار آن سنت‌های فکری ایرانیان در برابر دانش‌های نوین را نیز مورد اشاره قرار داده است. همچنین فقدان واکنش برخی از گروه‌های اجتماعی نیز مورد توجه است. به طور مثال به نقش رهبران مذهبی در حکومت فتحعلی‌شاه به طور مفصل پرداخته و این امر را در ربط با نقش آنان در مشروعیت آتی شاه به ویژه در سال‌هایی که موضوع نوسازی و نوگرایی مطرح می‌شود نیز بررسی می‌کند.

### رویارویی به‌واسطه شکست

جنگ‌های ایران و روس یکی از مهم‌ترین بزنگاه‌های حیات سیاسی و فکری ایرانیان است. شکست از روسیه و دست‌اندازی‌های این کشور به خاک ایران به طور آشکار ایرانیان را از خواب غفلت بیدار کرد و آنان را بی‌پرده با عقب‌ماندگی خود مواجه ساخت. به این ترتیب مدل رابطه ایران و روس وجه ویژه‌ای پیدا می‌کند و ایرانیان به واسطه فاصله کمتر با روسیه نخستین بار عقب‌ماندگی خود را در برابر سلاح‌ها و شیوه‌های نوین جنگ روس‌ها درک می‌کنند. مفهوم جهاد و «ادب جهادی» که علما در میانه جنگ‌های ایران و روس مطرح می‌کردند و همچنین رویکردهای رهبران مذهبی و مراجع تقلید شیعه که تا حدی تعیین‌کننده رویارویی با دو وجه تمدن بورژوازی غرب بود، از موضوعاتی است که ذیل بخش ویژه‌ای تحت عنوان «درازدستی روسیه تزاری از دیدگاه اندیشه‌گران ایرانی» به آن پرداخته شده است. بعد از این کتاب به مواجهه اندیشه‌ورزان ایرانی با غرب و به طور مشخص فرانسه و انگلستان پرداخته است و می‌کوشد آثار اندیشمندان ایرانی که در فصول پیشین آرای آنان را مورد بررسی قرار داده، شواهدی برای شیوه رویارویی آنان با تمدن غرب بیاورد. مقصود نویسنده از



شاید همواره این اندیشه در پس ذهن مردم کشورهای در حال توسعه و از جمله ایرانیان وجود داشته باشد که در آن بزنگاهی که غرب می‌رفت به تمدن بزرگ خود شکل دهد و سیطره آن را بر جهان حاکم کند، ما کجای کار بودیم و چه می‌کردیم؟ نویسنده در فصل چهارم اثر به این پرسش تا حدودی پاسخ می‌دهد و نگاهی تاریخی به شیوه رویارویی ایرانیان با تمدن غرب تا پایان روزگار صفویه دارد. وی می‌کوشد نشان دهد در همان هنگام که اروپا عصر روشنگری را سپری می‌کرد و دو رویه تمدنی آن در حال نضج و اوج‌گیری بود، در ایران چه می‌گذشت و روند تحولات داخلی چگونه بود.